



نقد و بررسی کتاب‌های دینی و قرآن

بوته
نقد

دبیرخانه کشوری راهبری درس دینی و قرآن
مستقر در خراسان رضوی

اشاره

و قرآنی و نیازهای خود را دریافت کنند. یادآور می‌شود که نقد انجام گرفته حاصل تلاش همکاران محترم در استان‌های گوناگون کشور است که از سوی دبیرخانه کشوری راهبری دینی و قرآن تدوین یافته است.

کلیدواژه‌ها: دینی و قرآن، دبیران، آموزش قرائت، آموزش دینی

● کتاب درسی مهم‌ترین منبع یادگیری دانش آموزان و محور همه فعالیت‌های آموزشی آنان است. کتاب درسی مهم‌ترین و شاید یگانه منبع درسی دانش آموزان و تدریس معلم است. محتوای کتاب درسی، رسالت تحقق هدف‌های آموزشی پیش‌بینی شده را برعهده دارد و تمام ارزشیابی‌ها براساس آن صورت می‌گیرند.

در نظام آموزشی کشور ما درس دینی به لحاظ دارا بودن ابعاد متنوع و مرتبط با جنبه‌های گوناگون زندگی انسان، از مهم‌ترین موضوعات درسی به‌شمار می‌رود. هدف نهایی و غایی این درس تربیت انسان شایسته و وارسته‌ای است که صلاحیت تقرب به درگاه الهی را داشته باشد. برای نیل به چنین هدف والایی مسلماً تمهیدات و برنامه‌ریزی‌های بسیار ظریفی لازم است تا میان عناصر برنامه درسی، تناسب و هماهنگی لازم که از ویژگی‌های برنامه درسی کارآمد است و بدون آن شرایط لازم برای ایجاد وحدت نظر در دانش آموزان حاصل نمی‌شود، پدید آید؛ مخصوصاً تناسب محتوا با هدف. زیرا «محتوا وسیله‌ای برای دستیابی به هدف» است و ناهماهنگی آن‌ها اعتبار برنامه درسی را کاهش می‌دهد.

● از آنجا که درس دینی و قرآن، درس زندگی فردی و اجتماعی است و با رفتارها و کردارهای ما در این جامعه آمیخته شده است و نسل جوان هم آمادگی دریافت هرگونه رفتار و کردار را از عالم بیرون دارد، پس مطالب این کتاب که امروز سهم زیادی در تعلیم و تربیت این نسل به عهده گرفته است، باید به گونه‌ای باشد که جوانان بتوانند پاسخ سوال‌های

بخش اول: نقد و بررسی عمومی و کلی کتاب‌های دینی و قرآن دوره متوسطه

الف) بررسی نکات مثبت و برجسته کتاب‌های دینی و قرآن
۱. کتاب‌های حاضر به دانش آموزان امکان فعالیت بیشتری می‌دهد و آنان را از حالت انفعالی و فقط شنونده بودن خارج می‌سازد. گرچه ابتدا بسیاری از همکاران از روش و محتوای کتاب شکوه داشتند و کتاب قبلی را مفیدتر می‌دانستند، ولی پس از گذشت چند سال، اکثر همکاران کتاب حاضر را بر کتاب قبلی ترجیح می‌دهند و آن را مطابق با اهداف آموزشی و نقش معلم در کلاس می‌دانند.

۲. پرسش و بررسی، یادآوری تجربه‌ها، ذکر نمونه، تنظیم برنامه و ... درباره موضوعات تدریس شده کتاب‌ها باعث می‌شود که دانش آموز از حیطة دانش و حفظ مطالب فراتر رود و به سایر طبقات حیطة شناختی برسد.

۳. استفاده از اشعار پرمعنا، نغز و زیبا و ذکر نتیجه و هدف کلی موضوعات تحت عنوان «گام»، تأثیرگذاری بیشتر بر دانش آموزان دارد و حیطة‌های عاطفی و روانی- حرکتی را

تحقق می‌بخشد.

۴. در پایان بیشتر درس‌ها، زیر عنوان «پیشنهاد»، فعالیت‌های تحقیقی، ادبی و هنری خواسته شده که این امر روحیه پژوهش، مطالعه و تحقیق و ذوق و استعداد ادبی و هنری دانش‌آموزان را شکوفا می‌کند.

۵. انجام بعضی از فعالیت‌های کتاب‌ها به صورت گروهی و مشارکتی حس همکاری و تعاون را در دانش‌آموزان تقویت می‌کند و از طرف دیگر، زمینه فعالیت بیشتر و رقابت سالم را بین اعضای گروه و سایر گروه‌ها به وجود می‌آورد.

ب) نقد و بررسی متون دینی کتاب‌های دینی و قرآن

درس تعلیم و تربیت اسلامی یا تعلیمات دینی و قرآن که درس تمامی دوره‌های تحصیلی مدارس در تمامی رشته‌ها تدریس می‌شود، هدفی باارزش را دنبال می‌کند و آن تربیت و رشد انسان‌هایی با اعتقادات و باورهای دینی است که این باورها و اعتقادات را در تمامی مراحل زندگی در جسم و

جان خود داشته باشند و براساس آن عمل کنند. حال این سؤال مطرح می‌شود که: «آیا دانش‌آموزانی که دوره تحصیلی خود را به اتمام می‌رسانند و سال‌ها تعلیم و تربیت دینی و قرآن می‌خوانند، به این باورها و اعتقادات رسیده‌اند یا نه؟ و اگر رسیده‌اند چند درصد؟» عوامل گوناگونی در این زمینه دخالت دارند. یکی از این عوامل کتاب‌های درسی و شیوه تدریس و ارزشیابی تعلیمات دینی و

قرآن دوره‌های متفاوت تحصیلی است و لذا این کتاب‌ها نقد و بررسی بسیاری لازم دارند. در اینجا انتقاداتی را که حاصل تلاش تمامی همکاران از سراسر کشور اسلامی است، به اجمال عرض می‌کنیم:

۱. نام این درس در دوره‌های تحصیلی مختلف، متفاوت است، به گونه‌ای که در دوره ابتدایی «هدیه‌های آسمان»، در دوره راهنمایی «پیام‌های آسمانی»، در دوره متوسطه «دینی و قرآن» نامیده می‌شود. این موضوع سبب شده است دانش‌آموزان و حتی اولیا تصور کنند که این کتاب‌ها ربطی به هم ندارند. حال آنکه این تعدد اسم، تعدد هدف را به دنبال ندارد.

۲. از نحوه نگارش، تصویرگری، چینش مطالب، و ... دقیقاً مشخص می‌شود که اولاً در تألیف این کتب همانند سایر کتاب‌های درسی مدارس از معلمان مربوطه استفاده خوبی نشده است. ثانیاً مؤلفان این درس در دوره‌های سه‌گانه ارتباط چندانی با هم ندارند و این موضوع حتی در کتاب‌های هدیه آسمان و قرآن دوره ابتدایی دقیقاً به چشم می‌خورد.

۳. درس قرآن در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی کتابی

مجزا و ساعت درس مخصوص به خود دارد. اما در دوره متوسطه کتاب قرآن و کتاب دینی و قرآن یک کتاب شده‌اند و این باعث شده است، در اغلب موارد ساعت قرآن به دلیل حجم زیاد مطالب دینی فدای آن شود و روخوانی اکثر دانش‌آموزان ضعیف باشد.

طی چند سال اخیر، کتاب دینی و قرآن تحولاتی نسبت به سال‌های گذشته داشته است که برخی از آن‌ها هم مثبت بوده‌اند. اما مسئله‌ای که ذهن ما را مشغول می‌کند، این بود که چرا در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی کتاب هدیه‌های آسمان و قرآن دو کتاب مجزا هستند؟ و چه عاملی باعث شده است که در دوره متوسطه این دو کتاب به یک کتاب تبدیل شوند؟ تحول هر مجموعه باید از پایه‌های آن شروع و پله پله انجام شود تا پل‌های ارتباطی بین اجزای آن مجموعه متزلزل نباشد. اگر پی‌بندی قبلی معلوم نباشد، بنای جدید نمی‌تواند جایگاه خود را در یابد. این امر در کتاب دینی و قرآن ۱ کاملاً مشهود است. طرح مسائل ساده و ناآشنایی با نیاز دانش‌آموزان

در این سن، مقایسه آن با محتوا و حجم کتاب‌های دوم و سوم دینی و قرآن و مطالب آموزشی کتاب‌های درسی دیگر این دوره (مثل فیزیک، ادبیات و ...) این مطلب را تأیید می‌کند.

۴. در جلد کتاب‌ها یا صفحات اول درس یا متن درس‌ها از تصاویر هنری مبهمی استفاده شده است که این امر در دوره متوسطه بیشتر دیده می‌شود.

هر چند این تصاویر به عقیده تصویرگران آن دارای پیام‌هایی است، ولی دانش‌آموزان و حتی در بیشتر موارد دبیران پیام موجود در تصاویر را در نمی‌یابند. اکثر تصاویری که در کتاب‌ها مورد استفاده واقع شده‌اند، در ارتباط با مفهوم درس گنگ، بی‌مفهوم و فاقد کارایی لازم هستند.

۵. بین کتاب‌ها و مطالعه آن‌ها با زمان مورد نظر برای تدریس تناسب وجود ندارد. یکی از عمومی‌ترین و مهم‌ترین نقدهای وارد بر کتاب‌ها، مخصوصاً دینی و قرآن دوم و سوم، حجم زیاد مطالب است که با سه ساعت در نظر گرفته شده در برنامه درسی مدرسه قابل تدریس واقعی نیست. این نقد کاملاً عمومی است و اکثر قریب به اتفاق همکاران آن را وارد می‌دانند. لازم به بیان است که زمان تدریس کتاب اول که چهار ساعت و حجم مطالب آن هم خوب و مناسب محسوب می‌شود، تقریباً قابل قبول است. چون دبیر تدریس و گروه‌بندی می‌کند، پرسش مطرح می‌سازد، به قرائت و ترجمه آیات می‌پردازد، از نوار کمک می‌گیرد، و بخش‌های اندیشه و تحقیق، سنجش و ارزشیابی مستمر و تدریجی، و ... به خوبی

حجم آیات قرآنی در هر درس متناسب با موضوع باشد و از آیه یا آیاتی که در حوض حوش موضوع نیست، صرف نظر شود. به عبارت دیگر: اولاً آیات پراکنده طرح نشوند، ثانیاً حجم آیات بیش از یک صفحه نباشد





انجام می‌شوند. اما در کتب دوم و سوم، بر حجم مطالب کتاب افزوده شده و ساعت تدریس کاهش یافته است. لذا امکان بعضی از فعالیت‌های فوق وجود ندارد و دبیر فقط به دنبال تدریس و اتمام کتاب است.

تدریس به شیوه فعال و گروهی و انجام فعالیت‌های جنبی غیرممکن است و اگر دبیری ادعا کند این دو کتاب را به خوبی کتاب اول تدریس می‌کند، خوب قضاوت نکرده است. چون علاوه بر اینکه امکان چنین کاری وجود ندارد، هر درس هم شیوه مخصوص به خود را برای تدریس می‌طلبد. ولی مطلب این است که دروس را به هر شیوه‌ای تدریس کنید، کماکان با کم بودن وقت مواجه هستید

و مشکل به جای خود باقی است. ۶. کتاب‌های دوره متوسطه بیشتر در جهت ایجاد ایمان‌گرایی تألیف شده‌اند تا عمل‌گرایی. ۷. در کتاب‌ها موارد کمتری از مواجه شدن دانش‌آموزان با واقعیت‌های تلخ زندگی بیان شده است. ۸. در کتاب‌ها بحثی از فرهنگ ایرانی و اسلامی به میان نیامده است.

۹. به سیره عملی پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) توجه چندانی نشده است.

۱۰. برخی از درس‌ها به دلیل حجم زیاد مطالب در یک جلسه قابل ارائه نیستند و گسسته شدن موضوع در دو جلسه، به تدریس و آموزش ضربه‌های اساسی می‌زند. و یا آیات آغازین در بعضی از دروس بسیار زیادند. یعنی قرائت، پرسش و ترجمه یک جلسه را به خود اختصاص می‌دهد و درس، جلسه بعد تدریس می‌شود. این یک ایراد آموزشی است که بین آیات و دروس فاصله ایجاد می‌شود.

۱۱. کتاب‌ها بیشتر حالت تعوری به خود گرفته‌اند تا حالت عملی. لذا جای مصاحبه با افراد موفق و متدین که تأثیر عمیقی روی دانش‌آموزان داشته باشند، کاملاً خالی به نظر می‌رسد.

۱۲. در برخی از درس‌ها، قسمت «برای مطالعه» از مباحث خود درس جذاب‌تر و ارزشمندتر است.

۱۳. با توجه به اهمیت احسان و نیکی به والدین و بزرگان در زندگی، در دوره متوسطه فقط یک درس سال اول تا حدودی به این موضوع پرداخته است و در سال سوم نیز اندکی به این موضوع اشاره شده است.

۱۴. کتاب‌های دوره متوسطه بیشتر به مباحث فردی مسلمانی می‌پردازند و کاری با جنبه اجتماعی مسلمانی ندارند.

۱۵. در بیان مطالب از امثال و حکم و داستان‌های جالب و ... استفاده کافی نشده است.

۱۶. کتاب‌ها به گونه‌ای تألیف شده‌اند که درس خواندن و حفظ کردن درس جای دل بستن به درس را گرفته است.

۱۷. جای امکانات آموزشی مرتبط با این درس، از قبیل فیلم، اسلاید، کتاب‌های منبع و ... به طور جدی خالی است.

موضوعی که امروزه اغلب دبیران را آزار می‌دهد، این است که مسئولان نظام آموزشی کشورمان معلمان را معجزه‌گر و یا

جادوگر می‌دانند. بر این باورند که معلمان حتماً باید معجزه کنند و همه معلمان رشته‌های مختلف، اعم از فیزیک، شیمی، ریاضی، زیست‌شناسی، زبان خارجی، زبان عربی، دینی، و ... تمامی مطالب را باید با گنج و تخته به دانش‌آموزان بیاموزند. بیچاره دانش‌آموزان که چه عذابی را باید در طول ۱۰ سال در مدرسه و با نشستن روی صندلی‌ها تحمل کنند و همه علوم

را از دریچه تخته کلاس یاد بگیرند. شاید در جواب بگویند معلمان می‌توانند از روش‌های نوین و امکانات جدید استفاده کنند و کسی به معلم نگفته است که فقط از تخته و گچ استفاده کنند. ولی همه می‌دانیم که استفاده از آموزش‌های خاص و امکانات و فناوری روز، هزینه‌های خاص خود را می‌طلبد.

۱۸. روش ارزشیابی درس درست به نظر نمی‌رسد، چرا که هرگز نباید این درس را با سایر دروس در یک ردیف قرار داد. بین درس‌هایی که برای فراگیرندگان ارائه می‌شوند، درس دینی و قرآن اهمیت خاصی دارد. زیرا این درس بر مبنای تعیین فلسفه حیات و چگونه زیستن تدوین می‌شود، اما در سایر درس‌ها موضوع مشخصی تعقیب می‌شود. این درس، علاوه بر اینکه جهان‌شناختی را بیان می‌کند، در صدد تبیین پدیده‌ها و نیایدها نیز هست.

۱۹. بزرگ‌ترین نقد وارد بر کتاب دینی و قرآن این است که مباحث کلی دین اسلام را ارائه نکرده است. اگر از دانش‌آموزان سؤال شود که مباحث کلی دین اسلام چیست، نمی‌توانند جواب دهند فقط به جزئیات دین اشاره می‌کنند.

از نظر منطقی، کسی که می‌خواهد موضوعی را بفهمد، باید در مورد آن موضوع در ذهنش یک تصور کلی داشته باشد و بعد به جزئیات آن بپردازد. مثلاً اگر بخواهیم موضوعی را به دانش‌آموزان آموزش بدهیم، اول باید کل آن را مطرح کنیم و بعد به جزئیاتش بپردازیم.

بنابراین، برای تفهیم کل دین اسلام به دانش‌آموزان، باید مباحث کلی دین را مطرح کنیم و بعد جزئیات آن را آموزش دهیم. دانش‌آموزان باید اول تصویری از کل دین در ذهنشان داشته باشند و در مرحله بعد به جزئیاتش بپردازند. متأسفانه در کتاب دینی و قرآن صرفاً به جزئیات دین اشاره شده است آن هم به صورت پراکنده و ناقص.

۲۰. بزرگ‌ترین اشکالی که در کتب درسی دوره

بعد از «قرآن»، یکی از مهمترین منابع عظیم معارف اسلامی کتاب «نهج البلاغه» است، اما متأسفانه هیچ‌یک از کتاب‌ها بحث‌های موضوعی و تحلیلی نهج البلاغه را به صورت جامع و تشریحی ارائه نداده‌اند

دبیرستان، به‌خصوص از سال دوم به بعد دیده می‌شود، یکنواختی صفحات و مطالب کتاب است. با توجه به اینکه رسانه دیداری و عنصر مشاهده نقش مهمی در یادگیری و آموزش دارد، در این کتاب اثری از تصویر و عکس قابل توجه که ذهن خسته از مطالب یکنواخت دانش‌آموز را به‌خود جلب کند و سبب تنوع برای آن‌ها شود، وجود ندارد.

۲۱. تکلیف معلم با وجود قسمت‌های «برای مطالعه»، «تطبیق کنید»، «بررسی کنید»، «ذکر نمونه‌ها» و «خودکاوی» معلوم نیست. چون با وجود اینکه مطالب مذکور برای کلاس‌ها مفید هستند، اما در اعلامیه سازمان سنجش این قسمت‌ها حذف شده‌اند و در کنکور از این قسمت‌ها سؤال نمی‌شود. لذا عملاً انگیزه دانش‌آموز را برای فراگیری و توجه جدی به آن‌ها می‌گیرد. همکاران هربار که این قسمت‌ها را، به‌خصوص در کتاب پیش‌دانشگاهی، توضیح می‌دهند و به آن‌ها می‌پردازند، بلافاصله با عکس‌العمل دانش‌آموزان روبه‌رو می‌شوند. آن‌ها می‌گویند، این قسمت‌ها را چون برای کنکور و امتحان نهایی نمی‌آید، درس ندهید. هر اندازه هم همکاران ما تلاش می‌کنند که علاقه آن‌ها را به این مباحث جلب کنند، کمتر موفق می‌شوند. حتی به شکل ارائه از سوی دانش‌آموزان و به شکل کنفرانس هم فایده نداشته است.

۲۲. بعضی از مطالب بیش از حد نیاز و برای توضیح بیشتر، با بیانات مختلف مطرح شده‌اند. این موضوع از سویی سبب سردرگمی دانش‌آموزان و از سوی دیگر باعث بی‌رغبتی نسبت به مطالب تکراری می‌شود. برای مثال، در کتاب دینی سال دوم دبیرستان در صفحه ۹۲ درس، آنجا که قصد تبیین بحث تجسم عمل را دارد (هر چند که در این قسمت هیچ صحبتی از تجسم عمل نشده و بیان آن در اینجا لازم است)، مطلبی به واقع قابل فهم را به اشکال گوناگون توضیح داده است. در حالی که با یک یا دو جمله کوتاه مطلب ارائه و قابل

فهم می‌شود و از سردرگمی دانش‌آموزان جلوگیری به‌عمل می‌آید. (خوب است تکرار بیشتر مطالب به بیانات مختلف در اختیار معلم قرار گیرد تا او در صورت نیاز به آن‌ها بپردازد، نه اینکه در کتاب این کار انجام پذیرد.)

۲۳. نکته دیگر بحث، عدم هم‌خوانی آزمون سراسری دانشگاه‌ها با محتوای این کتاب‌هاست. دانش‌آموزان برای آنکه بتوانند

در این آزمون‌ها موفق باشند، به‌سوی حفظ عین عبارات و جملات کتاب متمایل می‌شوند. چرا که آنچه که بیشتر در بررسی سؤالات کنکور دیده می‌شود، سؤالات حفظی است نه استنباطی. دبیران نیز به تبع این موضوع، زمان زیادی را صرف آموختن مهارت تست‌زنی و حل سؤالات چهارگزینه‌ای

می‌کنند. در حالی که هدف اصلی این کتاب تحقیق و پژوهش و تفکر و تأمل درباره مفاهیم اساسی درس دینی است.

۲۴. فعالیت‌های گروهی به‌علت مطالب زیاد درس‌ها بسیار ضعیف است. چرا که گروه‌ها به‌سادگی نمی‌توانند مطالب خود را ارائه دهند و برای نقد و بررسی نظرات گروه‌ها وقت و فرصت نیست. به دلایل ذکر شده در بالا، فعالیت‌های گروهی را بین دانش‌آموزان نمی‌توان رواج داد.

پس وجود کتب درسی بسیار پر حجم همراه با آموزش انبوه (کلاس‌های پرجمعیت) در تمام مراحل برنامه درسی تنگناهایی را به دانش‌آموزان و دبیران تحمیل می‌کند که در نهایت مانع انجام فعالیت‌های گروهی می‌شوند.

۲۵. مشخص‌ترین عیب کتاب‌های دینی و قرآن این است که مطالب و مفاهیم اکثر دروس خلاصه‌وار، تکراری و مشابه از لحاظ موضوعی، سؤال و جوابی و کم‌حجم از نظر مطالب کاربردی با توجه به شرایط عقیدتی، اجتماعی و زندگی عصر امروزی و پر حجم از نظر انبوه سؤالات که فقط حفظ شده و بعد از امتحان از یادها می‌روند، بیان شده‌اند.

در هیچ یک از کتب اصلاً از قصص قرآنی، تاریخ زندگی پیامبران، داستان‌ها و حکایت تربیتی، اخلاقی، دینی، اجتماعی و عبرت‌آموز که می‌توانست در زندگی دانش‌آموزان از نظر عملی و علمی تأثیر بسزایی داشته باشد، استفاده نشده است. به‌رحال نباید تأثیر عمیق وجود داستان یا حکایتی را که اولاً آموزنده و عبرت‌آموز و ثانیاً کاربردی است، نادیده گرفت.

دیگر اینکه در کتب دینی و قرآن، در قسمت «پیشنهاد» که در پایان هر درس آمده، یک سلسله موارد در قالب انجام فعالیت ذکر شده‌اند. برخی از این فعالیت‌ها آن‌قدر مطلوب و مثمرتر هستند که هم باعث افزایش اطلاعات به روش کاربردی می‌شوند و هم می‌توانند به‌عنوان نوعی تمرین در نظر گرفته شوند. اما به‌علت اینکه انجام این موارد اختیاری است

و هیچ ارزش سؤالی ندارد، دانش‌آموزان انگیزه لازم را برای بررسی آن‌ها به‌عنوان تمرین پیدا نمی‌کنند.

بخش کوچکی از مطالب کاربردی و کلیدی که می‌توانست مفید واقع شود، در بخش «برای مطالعه» کتاب درسی پایه سوم ذکر شده است. وجود چنین قسمتی با اطلاعات خوب که هیچ‌گونه ارزش امتحانی و ... ندارد و هیچ انگیزه‌ای را در معلم و در دانش‌آموزان تقویت نمی‌کند.

۲۶. کتاب‌های دینی و قرآن مفاهیم قرآنی و دینی را به‌صورت کلی و موضوعی یا به‌عبارت دیگر، تحلیلی مورد بحث قرار نداده‌اند تا دانش‌آموز اولاً با یک موضوع به‌صورت کلی و اجمالی آشنا شود، ثانیاً بعد از اتمام درس بتواند با توجه به شرایط

نکته دیگر بحث، عدم هم‌خوانی آزمون سراسری دانشگاه‌ها با محتوای این کتاب‌هاست. دانش‌آموزان برای آنکه بتوانند در این آزمون‌ها موفق باشند، به‌سوی حفظ عین عبارات و جملات کتاب متمایل می‌شوند





فعلی امروزی، مطالب را تجزیه و تحلیل و به نوعی در زندگی خود از آن‌ها استفاده کند. یعنی به جای حفظ طوطی وار مطالب، با موضوع درس به صورت کلی آشنا شود. ما به جای ارائه این همه سؤال ریز و درشت در کتاب‌ها، می‌توانستیم موضوع را کلی بیان کنیم و در یک سؤال کلی از مخاطب بخواهیم که موضوع مورد نظر را تجزیه و تحلیل کند. برای مثال، در بخش معاد کتاب درسی پایه دوم می‌توانستیم بخواهیم که معاد را تجزیه و تحلیل کنند.

۲۷. در کتاب‌های دینی و قرآن به موضوع اخلاق کاربردی اهمیت کمی داده شده است.

۲۸. در کتاب‌های دینی و قرآن در مورد احکام کم بحث شده است. البته در دوره راهنمایی از احکام بحث شده است، اما کافی و اقلان کننده نیست. بهتر بود اصل احکام در این دوره تحصیلی آورده می‌شد. دانش‌آموزان همان‌طور که در مسائل اعتقادی و نظری مشکل دارند، در احکام عملی نیز مشکلات فراوانی دارند.

۲۹. «تفسیر قرآن» علمی مهم، اصولی و دارای کارایی‌های بسیار عمیق و مفید است، که در برنامه فعلی اصلاً مد نظر قرار نگرفته است. بالطبع یک موضوع و یا یک آیه قرآنی زمانی به‌طور کامل تفهیم می‌شود که آیه تفسیر و تبیین شود؛ وگرنه صرف روخوانی چندان کمکی نخواهد کرد. شرح و تفسیر آیات در برنامه درسی موجود نیست.

آشنایی مختصر با مباحث تفسیر در حد یک درس و تفسیر بعضی از آیات در کتاب ضروری به نظر می‌رسد. اگر دانش‌آموزان در باب اهمیت تفسیر و آشنایی با آن در دبیرستان مطالبی بیاموزند، ممکن است علاقه آن‌ها به این علم، آن‌ها را به کارهای مهم‌تر و سخت‌تری بکشاند.

در مورد نحوه ارائه آیات قرآنی نیز این اشکالات مشاهده می‌شوند:

● آیات به صورت پراکنده و متشکل از چندین سوره بیان شده‌اند.

● اکثر آیات کلیدی را خود کتاب ترجمه کرده و برای درک کلی اجازه داده نشده است، خود دانش‌آموز تمامی آیات قرآنی را ترجمه کند.

● آن آیاتی که توسط خود کتاب ترجمه شده‌اند، چون مورد سؤال نباید قرار بگیرند، اصلاً مورد توجه واقع نمی‌شوند.

۳۰. آیات قرآن در مورد معاد یک چهارم

قرآن را تشکیل می‌دهند. یاد معاد انسان‌ساز است و غفلت از آن موجب گناهان فراوانی می‌شود. بعد از توحید، مهم‌ترین بحث معارف اسلامی و آموزش‌های پیامبران معاد است، ولی متأسفانه معاد بین دروس دینی و قرآن جایگاه مناسبی ندارد. کتاب‌های دینی و قرآن ۶۰ درس دارند و تنها پنج درس آن‌ها به معاد

اختصاص دارد (یعنی حدود یک‌دهم)، در حالی که لازم است در تمام کتب چهارگانه مطالبی در دو یا سه درس پیامون معاد آورده شود.

۳۱. تعالیم کتاب ارزشمند «نهج البلاغه» در کتاب‌های دوره متوسطه و به‌ویژه در کتاب دینی و قرآن ۱ بسیار کم مطرح شده‌اند. بعد از «قرآن»، یکی از مهم‌ترین منابع عظیم معارف اسلامی کتاب «نهج البلاغه» است، اما متأسفانه هیچ‌یک از کتاب‌ها بحث‌های موضوعی و تحلیلی نهج البلاغه را به‌صورت جامع و تشریحی ارائه ندادند.

۳۲. مقدماتی که در آغاز هر درس آمده است، به جای ارائه اطلاعات به‌منظور ارتباط دادن دانش‌آموز با موضوع درس، بیشتر به‌صورت سؤالی بیان شده است که انگیزه‌ای برای درک کامل موضوع ایجاد نخواهد کرد.

۳۳. عناوین موضوعی اکثر دروس اصلاً به‌صورت کامل و شفاف بیان نشده‌اند و بیشتر با یک سلسله موضوعات کلیشه‌ای ذکر شده‌اند. در کتب پیشین تمامی دروس با یک عنوان دینی یا قرآنی شروع می‌شدند، به‌نحوی که خود عنوان تا حدودی زمینه اولیه را در ذهن مخاطب برای درک مطالب و ایجاد بحث در حول و حوش موضوع تقویت و ذهن را برای ورود به مفاهیم اصلی آماده می‌کرد. ولی چنین چیزی در کتب فعلی خیلی به‌ندرت دیده می‌شود.

۳۴. یکی از انتقادات وارد بر کتاب‌ها این است که در بعضی دروس، تلفیق آیات و مطالب کارشناسانه نیست و باید در این زمینه کار بیشتری صورت گیرد.

۳۵. انتقاد دیگر این است که بعضی از پیشنهادها ارائه شده در کتاب زائد و یا پر حجم‌اند و کار زیادی می‌برند. لذا خوب است حذف یا متعادل شوند. یا پیشنهادهای مناسبی جای آن‌ها را بگیرند.

۳۶. بخش برای مطالعه واقعاً زیاد است و در بعضی از دروس هم پررنگ‌تر از متن‌اند و متون را در حاشیه قرار داده‌اند. باید مقدار زیادی از آن‌ها حذف شود.

۳۷. فعالیت‌های مطرح شده تحت عناوین مختلف از قبیل تفکر، بررسی، استدلال، تطبیق و... که در اکثر دروس پایه‌های دوم و سوم بیان شده‌اند، پر حجم و سنگین‌اند و البته مخصوصاً آن فعالیت‌هایی که هیچ‌گونه ارزش امتحانی، پرسشی و... ندارند، اصلاً مورد توجه قرار نمی‌گیرند.

۳۸. ارزشیابی مستمر از نظر اجرایی وقت‌گیر و زمان‌بر است. چنانچه دبیر بخواهد چنین ارزشیابی را دقیق و کامل انجام دهد باید نیمی از زمان فعال کلاسی را صرف آن کند.

بزرگ‌ترین نقد وارد بر کتاب دینی و قرآن این است که مباحث کلی دین اسلام را ارائه نکرده است. اگر از دانش‌آموزان سؤال شود که مباحث کلی دین اسلام چیست، نمی‌توانند جواب دهند فقط به جزئیات دین اشاره می‌کنند

۳۹. در قسمت «اندیشه و تحقیق» سلسله سؤالاتی بیان شده‌اند که متأسفانه چندان اندیشه و تحقیقی در ذهن دانش‌آموز ایجاد نمی‌کنند. در اکثر مواقع دانش‌آموزان پاسخ این سؤالات را به‌صورت طوطی‌وار حفظ می‌کنند و حتی دانش‌آموز برای یافتن جواب چنین سؤالاتی بدون تفکر، تحقیق و دادن زحمت به خود، از کتاب‌های گام به گام و... استفاده کند.

۴۰. مطرح کردن بحث «ازدواج» به‌عنوان یک موضوع درسی بدون تشریح کامل و ذکر اهمیت خانواده از نظر اسلام، چندان کمکی به تشویق جوان برای عمل به این امر الهی با توجه به مسائل امروزی نخواهد داشت؛ این موضوع هم به‌صورت گذرا مثل سایر موضوعات بررسی شده است بدون اینکه راهکارهایی عملی در این راستا آموخته و بیان شوند.

۴۱. با توجه به اینکه آیات قرآن در این کتاب‌ها در خلال درس‌ها مطرح شده‌اند، با یک مشکل جدی مواجه می‌شویم:

اکثراً دانش‌آموزان در کلاس با وضو نیستند و یا محدودیت‌های شرعی دارند که نباید دست به آیات بزنند و از این موضوع غافل هستند و یا بی‌توجهی می‌کنند. (هرچند که وظیفه مهم معلم است که این موضوع را به دفعات به دانش‌آموزان تذکر دهد و در مورد آداب تلاوت قرآن و با وضو در کلاس دینی حاضر شدن سفارش کند). اهمیت مطلب به اندازه‌ای است که ضرورت دارد برای آن تدبیری جدی اندیشیده شود.

ج) پیشنهادهای و رهنمودها

● باور عمومی این است که دانش‌آموز بدون نیاز به دبیر معارف خود نیز می‌تواند مطالب و سؤالات این کتاب‌ها را مطالعه کند و به راحتی نمره بگیرد. با توجه به ساختار خود کتب هم این باور بیشتر تقویت می‌شود. لذا برای اینکه چنین باوری از بین برود و ساختار کتب دینی و قرآن و نقش دبیر این درس مثل سایر دروس پایه و تخصصی پر بار و تخصصی تر شود، پیشنهاد می‌کنیم:

۱. تفسیر آیات به‌عنوان یک فعالیت مطلوب و علمی فقط برعهده دبیر مربوطه باشد و توسط دبیر بیان شود.
۲. ارائه داستان‌ها یا حکایت‌های آموزنده درباره مسائل مختلف مرتبط با موضوعات دروس برعهده دبیر باشد. (در جاهایی که کار برعهده دبیر است، پیشنهاد می‌شود خود کتاب با علامت خاصی آن را مشخص کند).
۳. به دلیل نداشتن کارایی و کاربردی نبودن قسمت‌های برای مطالعه، پیشنهاد، فعالیت‌هایی که با علامت x بیان شده‌اند،

سؤالات اندیشه و تحقیق، و... کلاً حذف شوند.

۴. فعالیت‌های هر درس به حداقل برسد و به‌جای طرح یک سلسله فعالیت‌های کلیشه‌ای که اکثر آن‌ها حتی ارزش امتحانی هم ندارند، بیش از یک مورد فعالیت در هر درس مطرح نشود؛ تا دانش‌آموز بتواند فعالیت را انجام دهد. لذا بهترین فعالیتی که می‌تواند برای دانش‌آموز مثرتر واقع شود و نیز ارزش امتحانی

آن نیز حفظ شود این است که: کتاب‌های درسی، ترجمه هیچ آیه قرآنی را اصلاً ننویسند و این کار را فقط به دانش‌آموز به‌عنوان یک فعالیت واگذار کنند. زیرا به کرات مشاهده می‌شود، ترجمه آیاتی که خود کتاب نوشته است، اصلاً مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

یا بعد از پایان هر سه درس یک سؤال قرآنی با موضوع روز به‌عنوان یک فعالیت مطرح و از دانش‌آموز خواسته شود، با مراجعه به قرآن جواب آن را پیدا کند. البته این مورد می‌تواند جایگزین خوبی برای

نام این درس در دوره‌های تحصیلی مختلف، متفاوت است، به‌گونه‌ای که در دوره ابتدایی «هدیه‌های آسمان»، در دوره راهنمایی «پیام‌های آسمانی»، در دوره متوسطه «دینی و قرآن» نامیده می‌شود. این موضوع سبب شده است دانش‌آموزان و حتی اولیا تصور کنند که این کتاب‌ها ربطی به هم ندارند

سؤالات قسمت اندیشه و تحقیق شود.

۵. حجم آیات قرآنی در هر درس متناسب با موضوع باشد و از آیه یا آیاتی که در حول و حوش موضوع نیست، صرف نظر شود. به عبارت دیگر: اولاً آیات پراکنده طرح نشوند، ثانیاً حجم آیات بیش از یک صفحه نباشد.

۶. مطالب هر درس به‌صورت کلی و موضوعی بیان شوند و از سؤال و جواب‌های متعدد و عنوان‌بندی‌های زیاد که به عدم درک صحیح مفاهیم می‌انجامد، خودداری شود. به طوری که در پایان هر

درس دانش‌آموز بتواند از موضوع درسی تجزیه و تحلیلی کاربردی داشته باشد و مطالب را طوطی‌وار حفظ نکند. ۷. به‌خاطر اینکه تمام مطالب هر درس دقیقاً مورد توجه قرار گیرند: اولاً در کل کتاب‌ها بخش «برای مطالعه» حذف شود، و ثانیاً از گذاشتن علامتی که باعث از بین رفتن ارزش امتحانی و سؤالی مطلبی می‌شود، خودداری شود.

۸. مجموعه تصاویر کتب دینی و قرآن به لحاظ اینکه فاقد کارایی صحیح و مطلوب هستند و هیچ کمکی به درک مفاهیم دروس نمی‌کنند، کلاً حذف شوند.

